

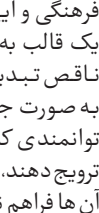
پرده خوانی عاشورایی، رو به فراموشی

طین همتی

ایام محرم و صفر همواره یادآور جلوه های ویژه ای از هنرهای نمایشی آیینی در فرهنگ ایرانی است؛ هنرهایی که نه تنها روایت تاریخی، بلکه بخشی از هویت اجتماعی و دینی ما را تشکیل می دهند. در این میان، «پرده خوانی» به عنوان یکی از قوی ترین رسانه های انتقال مفاهیم دینی و حماسی در فرهنگ بومی. این روزها حال و روز خوشی ندارد. با قاسم سیدی و حسین شیبانی، از هنرمندان باسابقه پرده خوانی در مشهد، درباره وضعیت این هنر در دوران معاصر و آسیب هایی که آن را تهدید می کند، به گفت وگو نشستیم. ایم.

- پرده خوانی؛ از اصالت تا انزوا

قاسم سیدی با اشاره به جایگاه رفیع پرده خوانی در فرهنگ ایرانی، وضعیت کنونی آن را نگران کننده توصیف می کند و می گوید: پرده خوانی در گذشته یکی از قوی ترین برنامه های



فرهنگی و آیینی ما بود، اما متأسفانه امروز به یک قالب به اصطلاح فرمی، آن هم به شکلی ناقص تبدیل شده است. این هنر اکنون به صورت جدی اجرا نمی شود؛ یا هنرمندان توانمندی که بخواهند این راه را یاد بگیرند و ترویج دهند، حضور ندارند یا شرایط برای فعالیت آن ها فراهم نیست.

این هنرمند پرده خوان در ادامه بر ضرورت به روزرسانی در شیوه اجرا، تأکید می کند: یک پرده خوان باید بر بیان خود، ارتباط با مخاطب و از همه مهم تر بر محتوایی که با دغدغه های امروز مردم پیوند دارد، مسلط باشد. اگر بخواهیم با سبک و سیاق قدیمی و بدون بازسازی نگاه هنری، پرده خوانی کنیم، مخاطب امروز ارتباطی با آن برقرار نمی کند. پرده خوانی باید با نگاهی نو و امروزی بازسازی شود.

- مرز باریک میان پرده خوانی، نقالی و تعزیه

این هنرمند با اشاره به تفاوت میان گونه های نمایشی آیینی اشاره می کند: امروزه گاهی مفاهیم پرده خوانی را با نقالی با تعزیه اشتباه می گیرند. نقالی بیشتر بر حماسه متمرکز است، اما پرده خوانی ماهیتی دینی و مذهبی دارد. در شاهنامه خوانی، دست هنرمند برای استفاده از طنز یا حرکات نمایشی متنوع باز است تا تماشاگر را با خود همراه کند، اما در پرده خوانی به دلیل تقدس محتوای مذهبی، ما با محدودیت های خاصی در اجرا روبه رو هستیم. به همین دلیل، پرده خوان باید چنان مسلط باشد که بتواند مخاطب را بدون توسل به ابزارهای جانبی، به سمت هدف اصلی اجرا، یعنی انتقال پیام و تأثیرگذاری عمیق سوق دهد.

- هشدار درباره فراموشی یک سرمایه فرهنگی

سیدی با نگاهی به تجربیات موفق خود در تهران (از جمله اجرا در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان) که در آن ارتباطی عمیق میان پرده خوان و مخاطب شکل می گرفت، می گوید: این هنر باید شکل منسجم تری پیدا کند. ترویج شود و مورد آموزش قرار گیرد. هنرمندان اندکی که در این عرصه هنوز نفس می کشند و به این هنر وفادار مانده اند، سرمایه های فرهنگی ما هستند.

ریحانه موسوی

نگارخانه رادین این روزها میزبان نمایشگاهی از آثار نقاشی است که از گذشته تا امروز فرم های هندسی و عناصر معماری را نه تنها به عنوان ساختارهای فیزیکی، بلکه به عنوان استعاره هایی از لایه های روانی و درونی انسان به تصویر کشیده است. در این نمایشگاه که «احجام محزون» نام دارد، سرستون ها، ستون ها، پله ها و گنبد ها، در فضایی انتزاعی و شناور قرار گرفته اند. درختان بی برگ زرد و آبی، می توانند نشانی دهنده رکود عاطفی، احساس تهیابی یا قطع ارتباط با طبیعت و زندگی باشند.

در ادامه، گفت وگوی ما با خالق این تابلوهای نقاشی را می خوانید.

- القای حس عاطفی به معماری
- محمد صانعی، دانش آموخته کارشناسی ارشد معماری از دانشگاه شهید بهشتی که نقاشی و فعالیت می کند، درباره شکل گیری نمایشگاه خود



مستولان حوزه هنر باید بدانند که اگر از این افراد استفاده نکنند و به فکر احیای این هنر نباشند، پرده خوانی به خاطره ای دور در تاریخ فرهنگ و هنر ما تبدیل خواهد شد.

وی در پاسخ به سؤالی درباره وضعیت اجرای این هنر در شهر مشهد، از بی مهری های صورت گرفته گله مند است و می افزاید؛ ما اصلا جایگاهی

برای رواج پرده خوانی نداریم. اجراها تنها به مناسبت های خاص و آن هم به شکلی بسیار ناقص محدود شده اند، گویی فقط می خواهند صوری از اجرا را نشان دهند. با اینکه در گذشته با بسیاری از مناطق شهرداری مشهد همکاری داشتیم و پرده خوانی هایی با موضوعات غدير، سرداران جنگ، محرم و روضی اجرامی کردیم، سال هاست که دیگر نامی از پرده خوانی در برنامه های شهری شنیده نمی شود.

سیدی که سابقه اجرای بهترین پرده خوانی رضوی در سطح بین المللی را در کارنامه دارد، بر این باور است که نبود حمایت، مهم ترین عامل این افول است و به گفته او هر جا که هنرمندی را تشویق می کنید، باید هوایش را هم داشته باشید و به او بها بدهید. مشکل اصلی اینجاست که متولیان و افرادی که در جایگاه تصمیم گیری هستند، شناخت درستی از این هنر ندارند و تنها به پرکردن لیست برنامه های خود می اندیشند، نه به حرمت هنر و هنرمند.

- میراثی که با چای قندپهلو گره خورده بود

حسین شیبانی، دیگر هنرمند مشهوری، در توصیف جایگاه تاریخی پرده خوانی، آن را هنری کاملاً مردمی می داند و می گوید: این ماجرا چنان غنی و ریشه دار است که هرچه درباره آن سخن بگویم، وقت کم می آید. پرده خوانی هنر همان آدم های خسته ای بود که صبح تا شب در زمین و کارگاه جان می کنند و شب هنگام، در فضای صمیمی قهوه خانه ها، خستگی شان را با شنیدن داستان های شاهنامه، میلاد ائمه^ا یا وقایع محرم و صفر به در می کردند.

وی ادامه می دهد: این فضا بسیار صمیمی و گرم بود. تو در حال نوشیدن چای قندپهلو است که هرچه درباره آن سخن بگویم، وقت کم می آید. پرده خوانی هنر همان آدم های خسته ای بود که صبح تا شب در زمین و کارگاه جان می کنند و شب هنگام، در فضای صمیمی قهوه خانه ها، خستگی شان را با شنیدن داستان های شاهنامه، میلاد ائمه^ا یا وقایع محرم و صفر به در می کردند.

وی ادامه می دهد: این فضا بسیار صمیمی و گرم بود. تو در حال نوشیدن چای قندپهلو

روی پارچه های متقال نقاشی کند یا خیر، با پرس و جوهای فراوان، در نهایت پیرمردی را در یکی از روستاهای نیشابور به من معرفی کردند که گفته می شد این کار را انجام می داده است، اما حتی در مورد وضعیت فعلی فعالیت او هم اطمینانی وجود نداشت.

این هنرمند با تأکید بر اینکه هنر پرده خوانی نیاز به بازخوانی و شاید نوسازی در شیوه های ارائه دارد، بیان می کند؛ قهوه خانه های قدیم دیگر وجود ندارند و بافت اجتماعی تغییر کرده است؛ اما ظرفیت این هنر برای انتقال مفاهیم عمیق انسانی و دینی در جامعه معاصر، همچنان بکر و دست نخورده باقی مانده است، به شرطی که مسئولان هنری، این هنر کم هزینه و پرمحتو را دریابند.

این هنرمند پرده خوان مشهدی با انتقاد از رکود در حوزه هنر پرده خوانی، بر ضرورت استفاده از ابزارهای نوین برای بقای این هنر اصل تأکید می کند و آن راهکاری برای جلوگیری از فراموشی این میراث فرهنگی می داند.

- پیوند سنت و مدرنیته؛ حفظ ساختار با ابزار نو

شیبانی با بیان اینکه معتقد به به روز شدن هنرهای اصیل است، در این باره می گوید، من خودم در خانه سه چهار پرده نقالی دارم که متناسب با پرده خوانی شاهنامه است. برای تهیه این پرده ها، عکس های با کیفیت را از اینترنت دانلود کردم، ابعاد مورد نظر را به چاپخانه دادم و روی بتر چاپ کردم. در واقع ما ساختار سنتی و اصیل پرده را حفظ کردیم، اما از امکانات اینترنت و فناوری چاپ بهره گرفتیم. به این صورت ساختار لطمه ای ندید. اما هنر به روز شد. در واقع برای احیای این هنر، باید نگاهی کاربردی داشت و از همه ظرفیت های تکنولوژیک برای حفظ قالب های کهن بهره برد.

این پرده خوان مشهدی در خصوص معیارهای انتخاب داستان ها برای اجرا بیان می کند: به نظر من هر نقالی که سه ویژگی داشته باشد، قابلیت اجرا به صورت پرده خوانی را دارد؛ اول اینکه ریشه در باورهای ما داشته باشد، دوم قابلیت تصویرسازی داشته و سوم اینکه داستان گویا باشد. وی می افزاید؛ مثال عینی آن داستان های شاهنامه است که از یکی بود، یکی نبود، شروع می شود و با سرنوشته قهرمانان به پایان می رسد. این یک تصویر کامل از ابتدا تا انتها با قابلیت ترسیم مسیر کارلای پرده است. واقعه عاشورا و کریلا مملو از تصویر و داستان است و فیلم های بسیاری درباره آن ساخته شده است؛ پس قطعاً قابلیت پرده خوانی دارد.

شیبانی با اشاره به تفکیک مرز میان پرده خوانی و نقالی تصریح می کند: مرز این دو بسیار مشخص است؛ اسمش روی آن است. نقال فقط از بیان و ویژگی های گفتاری استفاده می کند. اما به محض اینکه پرده نقاشی وسط می آید، می شود «پرده خوانی» و حذف پرده، این هنر را به نقالی صرف تبدیل می کند.

وی با تأکید بر اینکه هنر پرده خوانی نباید محدود به ایام محرم بماند، اظهار می کند: هر موضوعی را که ریشه در باورها داشته باشد، داستان گو باشد، می توان پرده خوانی کرد؛ از جنگ تحمیلی گرفته تا مسائل روز و حتی داستان های ساده زندگی روزمره مردم (مانند قصه ای درباره کودکان میناب)، همگی قابلیت تبدیل شدن به پرده و اجرا را دارند. ما باید با رویکردی نو، قصه های دوران معاصر را وارد این هنر کنیم تا از فراموشی آن ها جلوگیری شود.

- سرنوشت میهم نقاشی های سنتی بر پرده

شیبانی به هنر «پرده کشی» و نقاشی های سنتی هم اشاره و از وضعیت آن اظهار نگرانی می کند؛ پرده خوانی بدون هنر نقاشی معنا ندارد. من دو سه سال پیش خیلی پیگیر بودم ببینم آیا هنوز کسی هست که به همان شیوه سنتی،

- آبی؛ رنگی عمیق، معنوی و مرموز

در بیشتر آثار این هنرمند رنگ آبی غالب بود. صانعی درباره این انتخاب توضیح داد: نقاشان به همه رنگ ها علاقه دارند، اما باید ببینند کدام رنگ را با چه تناسبی و در کجا استفاده می کنند. بیشتر تابلوهایم مقداری نمادین هستند و باید قدری سواد بصری، دانش زیبایی شناسی و نمادشناسی را در آن ها دخیل بدانیم. رنگ آبی یک رنگ عمیق، معنوی و مرموز است. همچنین به دلیل اینکه زنجیرهای تاریخی تابلوهای مرا به یکدیگر وصل می کنند، از رنگ آبی در آن ها استفاده کرده ام و در تقابل آن رنگ مکملش نارنجی و زرد است.

صانعی در پایان بیان کرد؛ دوست دارم آثارم حس خوبی به مخاطبان بدهد و بعد از آن به ابعاد تاریخی توجه کنند و اینکه ایران سرزمین همیشه مقاوم بوده است؛ از زمانی که در اثر اولم به آتش کشیدن تخت جمشید توسط اسکندر اشاره شده است تاکنون.

تو بسیار عزیز

واکنش هنرمندان به تلاش های تیم ملی فوتبال



گروه هنر اتیم ملی فوتبال ایران در آخرین دیدار مرحله گروهی جام جهانی ۲۰۲۶ به مصاف مصر رفت و نتیجه نود دقیقه تلاش دو تیم، به تساوی یک بر یک ختم شد. این بازی که با ضربه پنالتی نافرجام مهدی طارمی و گل آسایید شجاع خلیل زاده همراه بود، صحنه های دراماتیکی را در پایان رقم زد که با واکنش های متعدد اهالی فرهنگ و هنر نیز همراه بود. در این میان، اهالی فرهنگ و هنر که در روزهای اخیر واکنش ها و تشویق های متعددی درباره تیم ملی ایران داشتند، پس از بازی با مصر نیز با زینکنان فوتبال کشورمان را مورد لطف و تمجید قرار دادند.

- شرمند نباشید؛ ایران به شما افتخار می کند!



سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در پیامی در شبکه ایکس از تیم ملی فوتبال قدردانی کرد و نوشت: «تیم ملی فوتبال ایران صعود ملی و جهانی یافته است. در غیرت و حمیت و میهن دوستی و ارائه بازی حرفه ای با تمامی بدرفتاری دشمن، شرایط سخت تردد، امکانات اندک در بازی های تدارکاتی، شرایط جنگی کشور و... به ایران و ایرانی عزت و غرور بخشیدید. قدردان و دست بوس تک تکتان هستیم.»

گرشا رضایی، خواننده پاپ که این روزها بازی های تیم ملی را به طور جدی دنبال می کند، با انتشار تصویری از رامین رضاییان، عملکرد تیم فوتبال کشورمان را عالی خواند. پیوسف حاتمی کیا، کارگردان و فیلم نامه نویس، نیز با انتشار پوسترى که

روی آن نوشته است: «شرمند نباشید، ایران به شما افتخار می کند!»، بازیکنان تیم ملی فوتبال ایران را معرکه خواند. علی بحرینی، ترانه سرا، نیز با انتشار تصویری از رامین رضاییان، نوشته است؛ تو بسیار عزیزى.

- ایران شجاعت شما را فراموش نمی کند

علی رام نورایی، بازیگر سینما و تلویزیون، با انتشار ویدئویی از رامین رضاییان که با بغض در مصاحبه پس از بازی گفته بود، مردم ما چه گناهی کرده اند؟ نوشت: «دمتون گرم باغیرتا.»

شکیب شجره، بازیگر سینما و تلویزیون، نیز با انتشار تصویری از بازیکنان تیم ملی نوشته است: «دمتون خیلی گرم.»

آرمان درویش، بازیگر هم نوشته است: «شما برای ایران قدم برداشتید. ایران شجاعت شما را فراموش نمی کند.»

- تغییر پرچم رسمی ایران اقدامی «غیر حرفه ای» است

این درحالی است که پرویز پرستویی، بازیگر پیشکسوت سینما و تلویزیون، یادداشتی درباره بازی های جام جهانی منتشر کرد. او خطاب به مزدک میرزایی، گزارشگر سابق فوتبال در ایران، نوشت: «شما ۲۲ سال به عنوان گزارشگر فوتبال، تهیه کننده، مجری، نویسنده و کارگردان تلویزیونی ایران بودید و از سال ۱۳۹۸ مجری و تهیه کننده برنامه هت تریک در شبکه تلویزیونی اینترنت نشنال...

در این ایام جام جهانی ۲۰۲۶ فوتبال، تیم های زیادی از دنیا شرکت دارند و تیمی هم از ایران عزیزمان در این دوره شرکت کرده است و برنامه هت تریک شما هم که تهیه کننده آن هستید، بارها با کارشناسانتان به تیم ایران پرداختید و مدام هم عنوان کردید که این تیم ایران نیست، تیم جمهوری اسلامی است...

و شما و کارشناسانتان این تیم را قبول ندارید و حتی گزارشگرانن هم مدام از مخالفانی که بر علیه تیم ایران هستند، گزارش تهیه کرده اند و کلی آبروریزی در داخل استادایوم که مردم دنیا تماشاگر آن هستند. حال سؤال بنده این است: شما که مخالف این تیم ملی ایران (جمهوری اسلامی) هستید، چرا این قدر وقت برای این تیم می گذارید و کارشناسی هم می کنید و راجع به برد و باختش هم نظر می دهید؟»

وی در بخش دیگری از این یادداشت تأکید کرد که تغییر پرچم رسمی ایران در یک برنامه رسانه ای اقدامی غیر حرفه ای است و این سؤال را مطرح کرد که آیا اگر پرچم هر کشور دیگری که در جام جهانی حضور دارد تغییر داده شود، با اعتراض مواجه نخواهد شد؟

پرستویی در پایان خطاب به مزدک میرزایی نوشت که اگر این رویکرد، سیاست شبکه محل فعالیت او نیز هست، برای آن مجموعه متأسف است و افزود؛ تغییر پرچم رسمی ایران و نحوه پرداخت به تیم ملی، اقدامی «غیر حرفه ای» است. وی یادداشت خود را با هشتگ «#ایران_از_بین_نمی رود» به پایان رسانده است.

- یک جای کارمی لنگد!

محمود فرجامی، مترجم و طنزپرداز، نیز درباره بازی ایران و مصر نوشته است: «فکر می کنم وقتشه عبارت «ما به وی ای آر باختم» رو وارد ادبیات ورزشی مون کنیم.»

اسماعیل امینی، شاعر و استاد دانشگاه، با انتشار تصویری از رامین رضاییان، نوشته است: «آفرین قهرمان، به کوری چشم دشمنان شادی مردم ایران.»

عظیم طهماسبی، مترجم زبان عربی، هم نوشته است: «خیلی مزخرف است آفساید در حد نصف کفش بازیکن! می به شدن فوتبال یعنی همین! بقیه بازی ها را ندیدم، ولی دو گل ایران به همین ترتیب رد شد. طبیعی نیست این!

یک جای کار می لنگد!»

سیدمازیار هاشمی، کارگردان، نیز برای بچه های تیم ملی نوشت: «دمتون گرم بچه های ایران. تا اینجا درخشان بودید تو این جام.»

محمدرضا گلزار، بازیگر سینما، هم با انتشار مطلبی از جنگندگی و غیرت بازیکنان تیم ملی فوتبال ایران قدردانی کرد.